Quarterly Financial Accounting
E-ISSN: 2783-4417
Vol. 15, Issue 2, No. 58, Summer 2023, p 60-75
Received: 27.04.2023 Accepted: 03.02.2024

Research Paper

The Perception of Accountants towards Accounting Standards Related to Financial Instruments: With Emphasis on Gender and Individual Characteristics

Mohammad Nazaripour *
Associate Professor, Department of Accounting, Hazrat_e Masoumeh University (HMU), Qom, Iran.
Email: m.nazaripour@hmu.ac.ir

Babak Zakizadeh
Master of Administration, Young Researchers and Elite Club, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.
Email: zakizadeh.babak@yahoo.com

Abstract
Financial instruments are tradable assets that can be used to raise capital, hedging, and speculating. Generally, accounting and reporting of financial instruments are complex. Until now, in Iran, two standards have been set for the financial instrument accounting. These standards are: 36 (presentation) and 37 (disclosure). In this regard, this study attempt to investigate the perception of accountants towards accounting standards related to financial instruments with emphasis on gender and individual characteristics. This study is practical in nature and descriptive-survey in terms of data collection method. The required data were collected through the distribution of questionnaires among 170 accountants working in the companies listed on the Tehran Stock Exchange. The research data were analyzed using one-sample t-test, multiple linear regression and Friedman test. According to the research findings, from the point of view of accountants, the accounting of financial instruments is complex. Also, the variables of gender, related offered at the university, on-the-job trainings and experience have an effect on the perceived complexity of accountants regarding the accounting of financial instruments from the four perspectives of identification, registration/measurement, disclosure and risk. Finally, the more the accountants' understanding of standards 36 and 37 improves, the more the application of such standards will be facilitated.

Keywords: Financial Instruments, Financial Reporting, Perception of Accountants. .

Introduction: Financial instruments are tradable assets that can be used to raise capital, hedging, and speculating. Financial instruments play an important role in achieving the following three goals: (1) Facilitating the process of transferring investors' funds to economic enterprises; (2) Reducing the systematic risk; and (3) Financing of megaprojects. Due to the importance of financial instruments, as in many countries, two accounting standards for financial instruments have been also set in Iran. These standards are: 36 (presentation) and 37 (disclosure). Complexity is one of the important concerns of implementing such standards. Therefore, the correct and complete implementation of these standards requires a lot of research. Therefore, this study attempt to investigate the perception of accountants towards accounting standards related to financial instruments with emphasis on gender and individual characteristics.

Method and Data: In terms of the type of research, the present research is applicable, in terms of path it is descriptive, in terms of time it is cross-sectional and in terms of implementation it is of the field type. The population of this study included accountants working in the companies listed on the Tehran Stock Exchange. In this research, the convenience sampling method was used for the sample size. With many efforts, 170 usable questionnaires were finally collected The research data were analyzed using one-sample t-test, multiple linear regression and Friedman test. Specifically, the complexity test of financial instrument accounting were done by using linear regression.

* Corresponding author
Nazaripour, M., Zakizadeh, B. (2023). The Perception of Accountants towards Accounting Standards Related to Financial Instruments: With Emphasis on Gender and Individual Characteristics. *Quarterly Financial Accounting*, 15(58): 60-75.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

Findings: The research findings showed that the accounting of financial instruments is complex. This means that each of the four processes related to the accounting of financial instruments (identification, registration/measurement, disclosure and risk) has certain complexities. According to the Friedman test, the complexity of the four processes are: disclosure, registration/measurement, risk and identification. The independent variables were gender, related offered at the university, on-the-job trainings and experience. Based on the research findings, all independent variables have a significant effect on each of the four accounting processes of financial instruments.

Conclusion and Discussion: The research findings showed that accountants do not have a correct and uniform understanding of accounting standards 36 and 37. Therefore, they are facing problems in implementing these standards. Therefore, strengthening academic education and on-the-job trainings can reduce the complexity of standards 36 and 37. Finally, the more the accountants' understanding of standards 36 and 37 improves, the more the application of such standards will be facilitated.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

فصلنامه حسابداری مالی
سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲، ص ۷۵-۶۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

مقاله پژوهشی

بررسی ادراک حسابداران نسبت به استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی: با تأکید بر جنسیت و ویژگی‌های فردی

محمد نظری‌پور *

دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.
m.nazaripour@hmu.ac.ir

بابک زکی‌زاده

کارشناسی ارشد مدیریت، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.
zakizadeh.babak@yahoo.com

چکیده:

ابزارهای مالی دارایی‌های قابل معامله‌ای هستند که می‌توان از آن‌ها برای افزایش سرمایه، پوشش ریسک و سفته‌بازی استفاده نمود. عموماً حسابداری و گزارشگری ابزارهای مالی پیچیده است. تاکنون در ایران برای حسابداری ابزارهای مالی دو استاندارد به شماره‌های ۳۶ (ارائه) و ۳۷ (افشاء) تدوین شده است. در همین راستا، پژوهش حاضر تلاش دارد تا ادراک حسابداران نسبت به پیچیدگی این دو استاندارد را با تأکید بر جنسیت و ویژگی‌های فردی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. داده‌های پژوهش حاضر از طریق توزیع پرسش‌نامه بین ۱۷۰ حسابدار شاغل در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از روش آزمون تی تک‌جمله‌ای، رگرسیون خطی چندگانه و آزمون فریدمن انجام شده است. طبق یافته‌های این پژوهش از دید حسابداران، حسابداری ابزارهای مالی پیچیده است. همچنین متغیرهای جنسیت، دروس دانشگاهی گذرانده شده، آموزش ضمن خدمت و تجربه بر پیچیدگی‌های ادراک شده حسابداران نسبت به حسابداری ابزارهای مالی از چهار منظر شناسایی، ثبت/اندازه-گیری، افشاء و ریسک اثرگذار است. درنهایت، هرچه ادراک حسابداران نسبت به استانداردهای ۳۶ و ۳۷ بهبود یابد، به همان میزان به‌کارگیری این قبیل استانداردها نیز تسهیل خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ابزارهای مالی، گزارشگری مالی، ادراک حسابداران .

* نویسنده مسئول

نظری‌پور، محمد، زکی‌زاده، بابک. (۱۴۰۲). بررسی ادراک حسابداران نسبت به استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی: با تأکید بر جنسیت و ویژگی‌های فردی. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۵(۵۸): ۷۵-۶۰.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

مقدمه

ابزار مالی یک سند واقعی و یا مجازی بوده که بیانگر یک قرارداد حقوقی با ارزش ریالی مشخص است (السرایره، الطراونه و التوری[1]، ۲۰۲۲). در حالت کلی، ابزار مالی از دو بخش ابزارهای نقدی و ابزارهای مشتقه تشکیل می‌گردد. ابزارهای نقدی اوراق بهاداری هستند که ارزش آن‌ها به‌طور مستقیم از سوی بازار تعیین شده و به‌راحتی قابل معامله هستند. ابزارهای نقدی ممکن است شامل سپرده‌ها و وام‌های مورد توافق وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان باشند. ابزار مشتقه ابزار مالی است که ارزش آن مبتنی بر ارزش یک دارایی پایه است. دارایی پایه می‌تواند شامل انواع سهام، ارز کشورها، یک کالای خاص، انرژی (نفت)، طلا و دارایی‌های مالی باشد (راسخی و نبوی[2]، ۲۰۱۹).

ابزارهای مالی نقش مهمی در کاهش ریسک‌های تجاری احتمالی همچون تغییرات در نرخ ارز، نرخ بهره و قیمت کالا و یا ترکیبی از هر دو دارد (ماه‌آور پور، رحمانی و مشایخ، ۱۳۹۸). استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی از طریق بهبود بینش استفاده‌کنندگان نسبت به ریسک‌های تجاری احتمالی، نقش مهمی در مدیریت این‌گونه ریسک‌ها دارد (لاکس[3]، ۲۰۱۲). به‌عبارت دیگر، اطلاعات حسابداری ارائه شده در زمینه ابزارهای مالی بر ارزیابی استفاده‌کنندگان از وضعیت و عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار بوده و همچنین می‌تواند بینش استفاده‌کنندگان نسبت به مقدار، زمان‌بندی و ابهامات مرتبط با جریان‌های نقدی را بهبود بخشد. برای تحقق اهداف فوق، نقش تهیه‌کنندگان این‌گونه اطلاعات (حسابداران) غیرقابل انکار است.

در سال‌های اخیر به‌کارگیری ابزارهای مالی رو به رشد بوده، به‌طوری‌که تا پایان سال ۲۰۱۹، ۱۶۶ کشور اقدام به تدوین و به‌کارگیری استانداردهایی در این زمینه کرده‌اند (السرایره و همکاران، ۲۰۲۲). در همین راستا، تاکنون هیأت تدوین استانداردهای حسابداری ایران نیز در این زمینه اقدام به تدوین دو استاندارد به شماره‌های ۳۶ (ابزارهای مالی: ارائه) و ۳۷ (ابزارهای مالی: افشاء) کرده است. این دو استاندارد از ابتدای سال ۱۳۹۸ در حال اجرا می‌باشند. با توجه به این‌که ذینفعان مختلفی همچون مدیران، سهامداران و حسابرسان تصمیم‌های کلیدی خود را بر اساس صورت‌های مالی اتخاذ می‌کنند، لذا آشنایی تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی (حسابداران) با تمامی استانداردهای حسابداری از جمله استانداردهای ۳۶ و ۳۷ می‌تواند نقش بسزایی در بهبود کیفیت صورت‌های مالی ایفا نماید. از دید بسیاری از کاربران و حتی حسابداران، درک و استفاده از استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی پیچیده و مشکل است. برای مثال ارزش‌گذاری منصفانه ابزارهای مالی (رحمانی و معنوی، ۱۴۰۲) و تعیین زمان مناسب برای شناسایی زیان کاهش ارزش آن‌ها از دشواری‌های خاصی برخوردار است (بارث[4]، ۲۰۱۴). اثرگذاری ابزارهای مالی بر وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ نشان داد که استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی مطابقت کاملی با فضای کسب‌وکار نداشته و همچنین درک و به‌کارگیری آن‌ها برای استفاده‌کنندگان مختلف از جمله حسابداران سخت است (تاکمن[5]، ۲۰۱۶).

پس از رواج ابزارهای مالی در دنیای تجارت، استانداردهایی در این زمینه از سوی نهادهای استانداردگذار تدوین شد. پس از انتشار استانداردهای بین‌المللی حسابداری در زمینه ابزارهای مالی همچون استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹ (ابزارهای مالی) و استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۹ (ابزارهای مالی: شناسایی و اندازه‌گیری)، پژوهش‌های متعددی همچون حسن، رِنکین و لو[6] (۲۰۰۶)، استروهال[7] (۲۰۰۹)، مورسیا و سانتوز[8] (۲۰۱۰) و السرایره و همکاران (۲۰۲۲) در زمینه ارائه و افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی در صورت‌های مالی انجام شده است. این پژوهش‌ها نتایج مختلفی را در پی داشته است. برای مثال طبق یافته‌های پژوهش‌های فوق نحوه ارائه و افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی در صورت‌های مالی از سوی

[1] Alsarayreh, Altarawneh & Eltweri
[2] Rasekhi & Nabavi
[3] Laux
[4] Barth
[5] Tuckman
[6] Hassan, Rankin & Lu,
[7] Strouhal
[8] Murcia & Santos

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

شرکت‌های مختلف، متفاوت بوده است. این عامل می‌تواند ناشی از عدم درک صحیح ماهیت ابزارهای مالی و استانداردهای حسابداری مربوطه از سوی حسابداران باشد.

به اعتقاد جرماکوویچ و گورنیک-توماس‌وسکی[1] (۲۰۰۶) پیچیدگی استانداردهای حسابداری ابزارهای مالی می‌تواند موانعی را بر سر راه پذیرش آن‌ها ایجاد نماید. برای مثال اوراق مشتقه به‌عنوان یکی از قراردادهای مالی پیچیده که آثار اقتصادی زیادی نیز به همراه دارد، می‌تواند چالش‌های جدی را در فرایند گزارشگری در پی داشته باشد. عواملی همچون ابهام، درک نادرست و پیچیدگی ذاتی باعث می‌شود تا حسابداری ابزارهای مالی از پیچیدگی خاصی برخوردار باشند (چانگ، دوناوهه و سوگیانیس[2]، ۲۰۱۶). پیچیدگی بیانگر میزان دشواری است که می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی همچون خطاهای حسابداری در گزارشگری مالی، انتخاب و استفاده نادرست از مدل‌های ارزش‌گذاری، عدم رعایت مقررات، افشای ناقص و افشای خطرات پیش روی شرکت شود (مالاکیا و زامبرا[3]، ۲۰۱۹). همچنین پیچیدگی باعث شده است تا نیاز به تدوین قوانین و مقررات موردنیاز و مداخله سازمان‌های مالی بین‌المللی بیش از پیش احساس گردد (جین[4]، ۲۰۱۴).

با توجه به گذشت بیش از ۴ سال از اجرای استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷، تاکنون پژوهش‌های چندانی در زمینه ابعاد مختلف این استانداردها انجام نشده است. لذا این پژوهش تلاش دارد تا از طریق بررسی ادراک حسابداران نسبت پیچیدگی این استانداردها، به سهم خود گام مثبتی در این زمینه بردارد.

بر اساس استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷ می‌توان فرایند ارائه و افشاء ابزارهای مالی را به چهار بخش کلی شناسایی و ثبت (بخش ارائه)، اهمیت و ریسک (بخش افشاء) تفکیک نمود. در پژوهش حاضر شناسایی به معنای تعیین مصادیق ابزارهای مالی و ثبت (اندازه‌گیری) نیز به معنای کمّی سازی یا تعیین ارزش ریالی برای ابزارهای مالی شناسایی شده است. اهمیت بیانگر ارائه اطلاعاتی در خصوص میزان و اهمیت ابزارهای مالی برای استفاده ذینفعان مختلف صورت‌های مالی است. همچنین واحد گزارشگر در پایان دوره مالی باید اطلاعاتی در خصوص ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی افشاء کند.

علی‌رغم الزامی بودن به‌کارگیری استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی، به‌کارگیری این قبیل استانداردها عملاً پیچیده و پرهزینه است (پاوسی[5]، ۲۰۱۷). هرچند در سایر کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، پژوهش‌هایی در زمینه شناسایی و حداقل‌سازی پیچیدگی‌های مرتبط با حسابداری ابزارهای مالی انجام شده است، اما تاکنون پژوهش‌های چندانی در این باره در ایران انجام نشده است. لذا ضرورت انجام این قبیل پژوهش‌ها در ایران بیش از پیش احساس می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد شواهدی را در زمینه پیچیدگی‌های استانداردهای حسابداری ابزارهای مالی (ارائه و افشاء) آن‌هم با تأکید بر ویژگی‌های رفتاری ارائه نماید. این موضوع می‌تواند به توسعه ادبیات پژوهش از طریق تأکید بر یک کشور در حال توسعه همچون ایران کمک نماید.

در بخش بعد مبانی نظری و فرضیه‌ها ارائه می‌شود. در بخش سوم روش‌شناسی پژوهش و در بخش چهارم یافته‌های پژوهش ارائه می‌شوند. در نهایت بخش آخر دربرگیرنده بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم ابزارهای مالی (ارائه و افشاء)

بر اساس استاندارد حسابداری شماره ۳۶ ایران، ابزار مالی قراردادی است که برای یک واحد تجاری، دارایی مالی و برای واحد تجاری دیگر، بدهی مالی و یا ابزار مالکانه ایجاد می‌کند. طبق این استاندارد دارایی مالی به چهار بخش: (۱) نقد، (۲) ابزار مالکانه واحد تجاری دیگر، (۳) حق قراردادی برای دریافت نقد و یا دارایی مالی دیگر از سایر واحدهای تجاری؛ و یا مبادله دارایی‌ها و

[1] Jermakowicz & Gornik-Tomaszewski
[2] Chang, Donohoe & Sougiannis
[3] Malaquias & Zambra
[4] Jain
[5] Pawsey

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

بدهی‌های مالی واحد تجاری با واحد تجاری دیگر (در صورت مطلوب بودن شرایط) و (۴) قرارداد قابل تسویه از طریق ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، تفکیک می‌گردد. همچنین طبق این استاندارد بدهی‌های مالی شامل آن بخش از بدهی‌هایی می‌شود که ناشی از تعهد قراردادی و یا قرارداد قابل تسویه از طریق ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری باشد. در نهایت، طبق استاندارد ۳۶، ابزار مالکانه قراردادی است که بیانگر منافع باقیمانده در دارایی‌های واحد تجاری پس از کسر تمام بدهی‌های آن است.

بر اساس استاندارد شماره ۳۷ واحدهای تجاری ملزم به افشای اطلاعاتی در صورت‌های مالی خود با هدف فراهم‌سازی امکان ارزیابی موارد زیر برای استفاده‌کنندگان خود می‌باشند: الف) اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی واحد تجاری و ب) ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی که واحد تجاری طی دوره و یا پایان دوره گزارشگری در معرض آن‌ها قرار دارد و همچنین نحوه مدیریت این ریسک‌ها توسط واحد تجاری.

فرایند ارائه و افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی از جمله موضوعات مهم در پژوهش‌های گزارشگری مالی است (بیشوف[1]، ۲۰۰۹). این موضوع به دلیل حساسیت تجاری (محرمانگی اطلاعات مالی) همیشه برای شرکت‌ها مشکل‌ساز بوده است. با گذر زمان، این حساسیت به‌واسطه استفاده روزافزون از ابزارهای مالی (به‌ویژه ابزار مشتقه) افزایش یافته است (طحات، دان، فیفیلد و پاور[2]، ۲۰۱۶). بر اساس نتایج پژوهش نایتو لاکس[3] (۲۰۱۱) شرکت‌ها از ابزارهای مالی برای مواردی همچون پوشش ریسک، مدیریت سود و سفته‌بازی استفاده می‌کنند. با توجه به کارکردهای مختلف ابزارهای مالی، ضرورت دارد درک کاربران و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی از تأثیر ابزارهای مالی بر وضعیت و عملکرد مالی شرکت‌ها افزایش یابد (آگیان[4]، ۲۰۱۲). از دید چاو، چان و چان[5] (۲۰۰۰) حسابداری ابزارهای مالی شامل سه بخش شناسایی، ثبت (اندازه‌گیری) و افشاء است.

از جمله اهداف اصلی تدوین استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷ می‌تواند طراحی دستورالعمل مشخصی برای ارائه و افشای اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی باشد. به عبارت دیگر، هدف این استانداردها اطمینان‌بخشی به ذینفعان شرکت‌ها در خصوص نحوه اثرگذاری ابزارهای مالی بر وضعیت مالی و عملکردشان است. بدین معنی که این استانداردها شرکت‌ها را ملزم به افشای دو نوع اطلاعات در خصوص ابزارهای مالی می‌نمایند: (۱) ارائه و افشاء اطلاعاتی درباره اهمیت ابزارهای مالی همچون افشاء رویه‌های حسابداری، افشاهای ترازنامه‌ای، افشاهای سود و زیانی، افشاهای مرتبط با پوشش ریسک، افشاهای مرتبط با ارزش منصفانه و سایر افشاها. (۲) ارائه و افشاء اطلاعاتی درباره ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از استفاده از ابزارهای مالی همچون افشاء کیفی و کمّی ریسک‌های (ریسک‌های اعتباری، نقدینگی و بازار) مرتبط با ابزارهای مالی استفاده شده.

با مروری بر ادبیات پژوهش می‌توان دریافت که در کشورهای مختلف در زمینه ارائه و افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی پژوهش‌های متعددی همچون چالمرز[6] (۲۰۰۱)، حسن و همکاران (۲۰۰۶)، ژانگ[7] (۲۰۰۹)، بیشوف (۲۰۰۹)، گِبهارت[8] (۲۰۱۲) و طحات و همکاران (۲۰۱۶) انجام شده است. با بررسی پژوهش‌های فوق مشخص می‌گردد که استفاده از ابزارهای مالی از روند رو به رشدی برخوردار بوده و همچنین کیفیت ارائه و افشاء اطلاعات مربوطه نیز روبه بهبود است. علی‌رغم موارد فوق، هنوز هم در زمینه ادراک کاربران و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی (حسابداران) نسبت به پیچیدگی استفاده از ابزارهای مالی پژوهش‌های چندانی انجام نشده است. با این وجود در بخش زیر به معدود پژوهش‌های انجام شده در زمینه پیچیدگی استفاده از ابزارهای مالی اشاره می‌شود.

[1] Bischof
[2] Tahat, Dunne, Fifield & Power
[3] Naito and Laux
[4] Ighian
[5] Chau, Chan & Chan
[6] Chalmers
[7] Zhang
[8] Gebhardt

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

بنابر یافته‌های پژوهش‌های گورنیک-توماس‌وسکی (۲۰۰۶)، تیرال، وودوارد و رخیمبِکوا[1] (۲۰۰۷)، ژانگ (۲۰۰۹)، پُروکوسکی[2] (۲۰۱۳)، هوانگ و گائو[3] (۲۰۱۴) و کاماوالا، رِنسینگا و یان[4] (۲۰۱۶) و چانگ و همکاران (۲۰۱۶)، پیچیدگی و هزینه‌های اجرایی بالا از جمله موانع به‌کارگیری صحیح و کامل ابزارهای مالی (به‌ویژه ابزارهای مشتقه) از سوی واحدهای گزارشگر است. این امر می‌تواند اهمیت مواردی همچون احتمال هموارسازی سود از طریق تصمیم‌های مرتبط با اقلام تعهدی اختیاری و ضرورت تدوین یک دستورالعمل مشخص برای درک هرچه بهتر استانداردهای مرتبط با ابزارهای مالی را دو چندان کند.

یافته‌های پژوهش‌های بین و ایروین[5] (۲۰۱۵) و چانگ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند موضوع افشا یکی دیگر از موانع بکارگیری صحیح و کامل ابـزارهای مالی (بـه‌ویژه ابـزارهای مشتقه) است؛ زیرا در بسیاری از موارد این امر نیازمند صرف هزینه‌های زیاد و استفاده از اطلاعات کمّی و پیچیده‌ای است که مستلزم استفاده از برآوردها و یا گردآوری و تحلیل اطلاعات جدید است.

پژوهش‌های ذکر شده در بخش‌های قبلی به‌ویژه دو پاراگراف قبلی نشان می‌دهند ابزارهای مالی (به‌ویژه اوراق مشتقه) پیچیده هستند، اما شواهدی را در خصوص دلایل این پیچیدگی ارائه نمی‌دهند. از آنجایی که ممکن است این ویژگی (پیچیدگی) باعث می‌شود که حسابداران نتوانند فرایند شناسایی، ارزش‌گذاری و افشای ابزارهای مالی به‌ویژه اوراق مشتقه را به‌خوبی تشخیص دهند. لذا برای جبران این خلأ، پژوهش حاضر تلاش کرده است تا ادراک حسابداران نسبت به استانداردهای مرتبط با ابزارهای مالی (به‌ویژه ویژگی پیچیدگی آنها) را مور د مطالعه و بررسی قرار دهد.

مبانی نظری فرضیه‌های پژوهش

بر اساس نتایج پژوهش‌های قبلی همچون یوهانسِن و پِلِن‌بورک[6] (۲۰۱۳)، مارابل-رومو، گویرال، کرسپو-اسپرت، گونزالو و مون[7] (۲۰۱۷) و مالاکیا و زامبرا (۲۰۱۹) استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی پیچیده می‌باشند. بر این اساس می‌توان استنباط نمود که از دید حسابداران، ارائه و افشاء ابزارهای مالی (به‌ویژه اوراق مشتقه) از پیچیدگی بالایی برخوردار است.

هر چند نهادهای استانداردگذار پس از مشخص شدن کمی و کاستی‌های هر استاندارد جدید، اصلاحاتی را در راستای رفع آن‌ها انجام می‌دهند، اما این اقدامات لزوماً باعث کاهش هزینه‌های ناشی از به‌کارگیری استانداردهای جدید نمی‌گردد. به‌علاوه درک بهتر پیچیدگی‌های مرتبط با استانداردهای حسابداری ابزارهای مالی، مستلزم برخورداری از دانش فنی کافی است؛ بنابراین برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با استانداردهای حسابداری ضمن ارتقاء دانش فنی کاربران، می‌تواند باعث تسهیل فرایند همگرایی در میان کاربران مختلف گردد (بوزکورت و اوز[8]، ۲۰۱۳)؛ اما در عین حال هزینه‌های برگزاری دوره‌های آموزشی می‌تواند برای کاربران قابل‌توجه باشد (پاوسی، ۲۰۱۷).

به اعتقاد جوشی، بِرمسِر و ال‌عجمی[9] (۲۰۰۸) برای کاهش هزینه‌های برگزاری دوره‌های آموزشی (به‌عنوان بخشی از هزینه-های اجرای استانداردهای مرتبط با ابزارهای مالی) بهتر است این‌گونه هزینه‌ها بین دانشگاه‌ها (در قالب گنجاندن دروسی در دوره‌های کارشناسی)، مؤسسات حسابداری، مؤسسات حسابرسی و دولت تقسیم گردد. از دید حسن و همکاران (۲۰۱۴) پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی[10] مستلزم این است که شرکت‌ها اقداماتی همچون اصلاح نظام حاکمیتی، استقرار نظام حمایتی از سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری در آموزش با هدف حمایت از اجرای مداوم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را

[1] Tyrrall, Woodward & Rakhimbekova
[2] Prorokowski
[3] Huang & Gao
[4] Khumawala, Ranasinghe & Yan
[5] Bean & Irvine
[6] Johansen & Plenborg
[7] Marabel-Romo, Guiral, Crespo-Espert, Gonzalo & Moon
[8] Bozkurt & Oz
[9] Joshi, Bremser & Al-Ajmi
[10] International Financial Reporting Standards (IFRS)

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

داشته باشند. به اعتقاد مالاکیا و زامبرا (۲۰۱۹) حتی با وجود چنین ابتکاراتی هنوز هم حسابداری اوراق مشتقه یک چالش جدی برای حرفه حسابداری است.

دوره کـارشناسی نقش مهمی در شکل‌گیری دانش حسابـداران و حسابرسان دارد. با این وجود حسابداران و حسابرسان می‌توانند برای ارتقاء دانش و مهارت‌های خود در زمینه ابزارهای مالی در دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نیز شرکت نمایند. فعالیت در حرفه حسابداری مستلزم دانش فنی بوده، اما فعالیت در حرفه حسابرسی هم مستلزم دانش فنی و هم مستلزم قضاوت حرفه‌ای، به‌ویژه در مواقع مواجه با ابهامات و استانداردهای حسابداری لازم‌الاجرا، است (وُستمِن و وُستمِن[1]، ۲۰۱۰). از جمله وظایف اصلی حسابرس اظهارنظر در زمینه رعایت و یا عدم رعایت استانداردهای حسابداری است که این امر مستلزم دانش حسابداری و حسابرسی بالایی است؛ بنابراین موفقیت در حرفه حسابداری و حسابرسی مستلزم آموزش کافی است.

به اعتقاد اُیار و گان‌گورمس[2] (۲۰۱۳) آموزش نقش مهمی در درک هرچه بهتر استانداردهای حسابداری دارد. پذیرش استانداردهای حسابداری مستلزم تقبل هزینه‌های آموزشی است؛ و لزوماً این هزینه‌ها فقط شامل مرحله پذیرش نیست (پاوسی، ۲۰۱۷). از آنجا که محتوای برخی از استانداردهای حسابداری پیچیده بوده، لذا استادان دوره‌های کـارشناسی می‌توانند از روش‌هایی همچون بازی‌های آموزشی برای تدریس این قبیل استانداردها استفاده نمایند. به اعتقاد مالاکیا و زامبرا (۲۰۱۹) می‌توان از بازی‌های جدی و شبیه‌سازی شده[3] برای آموزش در علوم اداری (حسابداری و مدیریت) استفاده نمود؛ بنابراین حسابداران برای کسب مهارت در زمینه ابـزارهای مالی نیـازمند کسب مهارت‌های مختلف که مربوط بـه رشته‌های مختلف می‌شود، هستند. برای تحقق هدف فوق می‌توان از فناوری اطلاعات برای آموزش مهارت‌های مورد نیاز در زمینه ابزارهای مالی استفاده نمود (گرین‌اِشتاین و مک‌کی[4]، ۲۰۰۴). بر اساس مطالب بیان شده، استدلال بر این است که محتوی دروس دانشگاهی و آموزش‌هـای ضمن خدمت (دوره‌های آموزشی گذارنده شده) متغیرهای مربوطی هستند که باید در فرایند پذیرش و بکارگیری استانداردهای حسابداری، بهبودهای مورد نیاز و درک پیچیدگی آن‌ها مدنظر قرار گیرند.

جنسیت یکی از متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش حاضر است. جنسیت یکی از متغیرهای اثرگذار بر فرایند یادگیری و پردازش اطلاعات است (المخالد[5]، ۲۰۲۱)؛ بنابراین لحاظ نمودن متغیر جنسیت در پژوهش‌هایی که شامل ادراک یک موضوع پیچیده همچون ابزارهای مالی است، ضرورت دارد؛ زیرا تمایل به یادگیری چنین مطالب پیچیده بین مردان و زنان متفاوت است.

همانند بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در حوزه حسابداری (مانند مالاکیا و زامبرا، ۲۰۱۹)، مدنظر قرار دادن متغیر جنسیت یک موضوع مسبوق به سابقه است؛ بنابراین گنجاندن متغیر جنسیت در پژوهش‌های حسابداری می‌تواند به درک هرچه بهتر رویه‌های حسابداری کمک نماید (بورل[6]، ۱۹۸۷). در پژوهش حاضر بر جنبه‌ای از جنسیت تمرکز می‌شود که شامل حساسیت و اضطراب در زمینه عملیات اساسی ریاضیات همچون مشتقات است.

این عملیات می‌تواند شامل دارایی‌ها و بدهی‌های مختلف و یا سایر مشتقات باشد (چانگ و همکاران، ۲۰۱۶). بر اساس ادبیات پژوهش همچون هیل، مامرلا، دواین، کاویولا، پاسولونگی و سوچ[7] (۲۰۱۶) بین جنسیت و دغدغه در زمینه یادگیری ریاضیات رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که در مقایسه با مردان، زنان حساسیت و دغدغه بیشتری در زمینه ریاضیات از خود نشان می‌دهند. بر این اساس فرض می‌شود جنسیت بر درک پیچیدگی مشتقات اثرگذار است. لذا در این پژوهش فرض بر این است که در مقایسه با مردان، زنان دغدغه بیشتری را در خصوص یادگیری ریاضیات از خود نشان می‌دهند.

در حقیقت حسابدارانی که نگرانی بالقوه‌ای نسبت به ریاضیات دارند، احتمالاً سراغ محاسبات سخت ریاضی نخواهند رفت. به اعتقاد پریمی، باسدراقی، توماستو، مُرسانی و چیزی[8] (۲۰۱۴) افرادی که به ریاضیات حساسیت دارند، سراغ محیط‌ها و مشاغلی

[1] Wüstemann &Wüstemann
[2] Uyar & Güngörmüş
[3] Serious & Simulation Games
[4] Greenstein & McKee
[5] Al-Makhalid
[6] Burrell
[7] Hill, Mammarella, Devine, Caviola, Passolunghi & Szűcs
[8] Primi, Busdraghi, Tomasetto, Morsanyi & Chiesi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

که مستلزم استفاده از مهارت‌های ریاضی هستند، نمی‌روند. بر این اساس وقتی افرادی تمایل به مطالعه و یادگیری ابزارهای مالی ندارند، معمولاً حرفه‌ای را انتخاب می‌کنند که به این قبیل موارد نیازی نداشته باشد. از آنجا که بسیاری از شرکت‌ها (به‌ویژه شرکت‌های بزرگ) ملزم به استفاده از ابزارهای مالی هستند، لذا ارزیابی سطح پیچیدگی ادراک شده از سوی حسابداران به‌ویژه با تأکید بر جنسیت از اهمیت بالایی برخوردار است.

به‌واسطه تغییرات و اصلاحات مداوم در استانداردهای بین‌المللی و پیچیدگی‌های مربوطه، شرکت‌ها مجبور به استفاده از افراد واجد شرایط (دارای دانش و تجربه کافی) هستند. به اعتقاد بوزکورت و اوز (۲۰۱۳) تجربه نقش مهمی در ایجاد همگرایی حسابداران با استانداردهای حسابداری دارد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش چاند و پاتل[1] (۲۰۰۸) اگر کشوری فاقد حسابداران واجد شرایط و سازوکارهای نظارتی کارآمد باشد، ممکن است در تفسیر و اجرای استانداردهای حسابداری با مشکلاتی مواجه شوند. عوامل انسانی بر موفقیت شرکت‌ها در سازگاری با شرایط جدید تأثیرگذار بوده، در همین راستا می‌توان اشاره کرد که تجربه حسابداران می‌تواند بر دانش آنان در استفاده از استانداردها اثرگذار باشد (اُیار و گان‌گورمس، ۲۰۱۳). به‌علاوه به اعتقاد جوشی و همکاران (۲۰۰۸) حسابداران باتجربه درک بهتری نسبت به اهمیت هماهنگ‌سازی رویه‌های حسابداری در سطح بین‌الملل دارند. به این ترتیب حتی ممکن است به‌طور غیرمستقیم تجربه حرفه‌ای حسابداران بر ادراک آنان از پیچیدگی‌های استانداردهای حسابداری اثرگذار باشد. یافته‌های پژوهش بین و ایروین (۲۰۱۵) تأییدی بر این موضوع است. جامعه آماری این پژوهش تحلیل‌گران چهار بانک بزرگ استرالیا بود. بر اساس نتایج این پژوهش به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران عدم درک صحیح حسابداران و حسابرسان از مشتقات، دلیل اصلی طرفداری شرکت‌ها از رویه‌های افشای عمومی است. چرا که شرکت‌ها بیش از حد به صورت‌های مالی نمونه پیشنهاد شده از سوی مؤسسه‌های حسابرسی متکی هستند. همچنین به اعتقاد این تحلیل‌گران هرچند این موضوع نگران‌کننده است، اما لزوماً تعجب‌آور نیست؛ زیرا این احتمال وجود دارد که حسابداران و حسابرسان به دلیل افزایش پیچیدگی مشتقات از درک آن‌ها ناتوان باشند.

نتایج پژوهش بین و ایروین (۲۰۱۵) می‌تواند بیانگر نوعی فقدان تجربه در زمینه مشتقات و استانداردهای مربوطه باشد. همچنین نتایج پژوهش ناوارو-گارسیا و باستیدا[2] (۲۰۱۰) تأییدی بر این موضوع است. بدین معنی‌که بین تجربه حسابداران و کیفیت اطلاعات مالی ارائه شده از سوی آنان رابطه معناداری وجود دارد. فرض بر این است تجربه عامل مهمی در پذیرش استانداردهای حسابداری، فهم اصلاحات بعدی و درک پیچیدگی‌های مربوطه است.

فرضیه‌های پژوهش

بنابر ادبیات و مبانی نظری ارائه شده در بخش‌های قبلی، فرضیه‌های پژوهش را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

فرضیه ۱: از دید حسابداران، حسابداری ابزارهای مالی (ارائه و افشاء) پیچیده است.

فرضیه ۲: جنسیت و ویژگی‌های فردی (دروس دانشگاهی گذارنده شده، آموزش ضمن خدمت و تجربه) بر درک حسابداران از پیچیدگی‌های ابزارهای مالی از منظر شناسایی اثرگذار است.

فرضیه ۳: جنسیت و ویژگی‌های فردی (دروس دانشگاهی گذارنده شده، آموزش ضمن خدمت و تجربه) بر درک حسابداران از پیچیدگی‌های ابزارهای مالی از منظر ثبت/ارزش‌گذاری اثرگذار است.

فرضیه ۴: جنسیت و ویژگی‌های فردی (دروس دانشگاهی گذارنده شده، آموزش ضمن خدمت و تجربه) بر درک حسابداران از پیچیدگی‌های ابزارهای مالی از منظر افشاء اثرگذار است.

فرضیه ۵: جنسیت و ویژگی‌های فردی (دروس دانشگاهی گذارنده شده، آموزش ضمن خدمت و تجربه) بر درک حسابداران از پیچیدگی‌های ابزارهای مالی از منظر ریسک اثرگذار است.

[1] Chand & Patel
[2] Navarro-García & Bastida

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-علی بوده و داده‌های آن با رویکرد میدانی-پیمایشی و به‌صورت تک مقطعی گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل حسابداران شاغل در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران بود. از جمله ویژگی‌های جامعه آماری انتخاب شده، آشنایی آنان با استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷ بود. همچنین اعضای جامعه آماری در پست‌های سازمانی همچون رئیس حسابداری، رئیس بودجه و حسابرسی داخلی مشغول به فعالیت بودند. از جمله مزیت‌های اصلی استفاده از این جامعه آماری، همگنی شرایط محیطی پاسخ‌دهندگان و برخورداری این قبیل شرکت‌ها از تشکیلات حسابداری منسجم و توسعه یافته است؛ بنابراین احتمال درک بهتر مسئله پژوهش و پاسخگویی مطمئن‌تر پاسخ‌دهندگان به گویه‌های پرسشنامه افزایش می‌یابد.

مدل‌سازی معادلات ساختاری تشابه زیادی با برخی از ویژگی‌های رگرسیون چند متغیری دارد. لذا در پژوهش‌هایی که قرار است از معادلات ساختاری استفاده شود، می‌توان برای هر متغیر اندازه‌گیری شده حجم نمونه را بین ۵ تا ۱۵ مشاهده انتخاب کرد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۶)؛ یعنی:

$$5q \leq n \leq 15q$$

در فرمول فوق q بیانگر تعداد متغیرهای مشاهده شده و n بیانگر حجم نمونه است. در این پژوهش تعداد سؤالات اختصاصی ۱۹ مورد است. درنتیجه طبق فرمول فوق حداقل پرسشنامه مورد نیاز ۹۵ و حداکثر نیز ۲۸۵ خواهد بود. با تلاش‌های فراوان صورت گرفته در نهایت ۱۷۰ پرسشنامه قابل استفاده گردآوری شد (به ازای هر سؤال ۹ مورد). در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

پرسشنامه استفاده شده، از دو بخش کلی تشکیل شده است. بخش اول شامل ۷ سؤال عمومی است که ۴ سؤال آن مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی (جدول ۲) و ۳ سؤال دیگر نیز مربوط به ویژگی‌های فردی است. بخش دوم نیز شامل سؤال‌های اختصاصی مرتبط با سنجش متغیرهای وابسته به تعداد ۱۹ سؤال است (جدول ۱). سؤال‌ها بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بودند. سؤال‌های مرتبط با هریک از متغیرهای وابسته بر اساس ادبیات پژوهش طراحی شده‌اند. برای حصول اطمینان از روایی (صوری) پژوهش، ابتدا پرسشنامه در اختیار ۵ نفر از کارشناسان خبره قرار گرفت. پس از اعمال نظرات و پیشنهادهای آنان، پرسشنامه نهایی تدوین شد. برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است (جدول ۱).

این پژوهش شامل ۴ متغیر مستقل (جنسیت، دروس دانشگاهی مرتبط گذارنده شده، آموزش‌های ضمن خدمت و تجربه مرتبط) و یک متغیر وابسته (پیچیدگی ابزارهای مالی) بود. برای سنجش سه متغیر مستقل (به غیر از جنسیت) از سؤالات دو گزینه‌ای (بله و خیر) استفاده شد. برای مثال "آیا در دانشگاه دروسی را در خصوص ابزارهای مالی گذرانده‌اید؟". "آیا در دوران خدمت دوره‌های آموزشی مرتبط با ابزارهای مالی را گذرانده‌اید؟". "آیا تجربه کار با ابزارهای مالی را دارید؟". متغیر وابسته از چهار منظر شناسایی، ثبت/ارزش‌گذاری، اهمیت و ریسک مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت. دو متغیر شناسایی و ثبت/ارزش-گذاری مبتنی بر استاندارد ۳۶ و دو متغیر اهمیت و ریسک نیز برگرفته از استاندارد ۳۷ است. برای سنجش چهار جنبه متغیر وابسته از پرسشنامه استفاده شد. برای سنجش هر یک از جنبه‌های شناسایی، ثبت/ارزش‌گذاری و اهمیت ۵ سؤال و جنبه ریسک نیز ۴ سؤال استفاده شد. در تدوین سؤالات علاوه بر استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷، از ادبیات پژوهش همچون بیشوف (۲۰۰۹)، لاکس (۲۰۱۲)، اُیار و گان‌گورمس (۲۰۱۳)، بِرن (۲۰۱۴)، چاو و همکاران (۲۰۱۹) نیز بهره گرفته شد. برای آزمون هر یک از فرضیه‌های ۲ الی ۵ از رگرسیون خطی استفاده شد.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل معادله رگرسیون خطی عبارت بودند از: جنسیت، دروس دانشگاهی مرتبط، آموزش ضمن خدمت و تجربه مرتبط. معادله رگرسیون هر یک از جنبه‌های متغیر وابسته به شرح زیر هستند:

IdenInstr = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

RecoInster = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience
SignInstr = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience
RiskInstr = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience

Gender نماد جنسیت،Uni-Courses نماد دروس دانشگاهی مرتبط گذارنده شده،In-service training نماد آموزش ضمن خدمت گذارنده شده و Experience نماد تجربه است.

جدول (۱). متغیرها و ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها

متغیر	نماد	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
شناسایی ابزارهای مالی	**IdenInstr**	۵	۰/۷۳۹
ثبت (ارزش‌گذاری) ابزارهای مالی	**RecoInster**	۵	۰/۷۶۸
اهمیت ابزارهای مالی	**SignInstr**	۵	۰/۷۶۲
ریسک ابزارهای مالی	**RiskInstr**	۴	۰/۷۷۰

با توجه به این‌که تمامی اعداد منعکس شده در جدول فوق بیشتر از ۰/۷ می‌باشند، لذا تمامی متغیرهای پژوهش از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی لازم برخوردار هستند (سوروچو و ماسلاکسی[1]، ۲۰۲۰). همچنین ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه نیز برابر با ۰/۸۹۳ است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در این بخش ابتدا برخی از اطلاعات مهم جمعیت شناختی پژوهش ارائه می‌شود (جدول شماره ۲).

جدول (۲). اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان

متغیر	گزاره	تعداد	درصد	متغیر	گزاره	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۲۵	۷۳/۵		کمتر از ۳۰ سال	۴۸	۲۸/۲
	زن	۴۵	۲۶/۵	سن	۳۰ تا ۴۰ سال	۸۶	۵۰/۶
سنوات خدمتی	کمتر از ۵ سال	۲۰	۱۱/۸		بیشتر از ۴۰ سال	۳۶	۲۱/۲
	۵ تا ۱۰ سال	۵۲	۳۰/۶		لیسانس	۵۵	۳۲/۴
	۱۰ تا ۲۰ سال	۶۸	۴۰/۰	تحصیلات	فوق‌لیسانس	۹۱	۵۳/۵
	بیشتر از ۲۰ سال	۳۰	۱۷/۶		دکترا	۲۴	۱۴/۱

طبق جدول فوق ۷۳/۵ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۲۶/۵ درصد نیز زن بودند. بیشتر پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس (۵۳/۵ درصد)، سن بیشتر پاسخ‌دهندگان نیز بین ۳۰ تا ۴۰ سال (۵۰/۶ درصد) و سنوات خدمتی بیشتر آنان نیز بین ۱۰ تا ۲۰ سال (۴۰ درصد) بود.

آمار استنباطی

برای آزمون فرضیه اول از آزمون تی تک نمونه‌ای و مابقی فرضیه‌ها از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول ابتدا میانگین گویه‌های مرتبط با هر متغیر محاسبه و سپس این مقادیر با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای با مقدار آستانه ۳ مقایسه شدند. از آنجا که گویه‌های هر متغیر در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بود، لذا به همین دلیل عدد ۳ به‌عنوان مقدار آستانه انتخاب شده است. خروجی نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس برای ۵ متغیر به شرح زیر است:

جدول (۳). آمار توصیفی متغیرها

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار
شناسایی	۱۷۰	۴/۲۰۵۹	۰/۴۲۳۸۰	۰/۰۳۲۵۰
ثبت /ارزش‌گذاری	۱۷۰	۴/۲۴۰۰	۰/۵۱۱۴۵	۰/۰۳۹۲۳
اهمیت افشاء	۱۷۰	۴/۲۸۸۲	۰/۴۲۸۵۴	۰/۰۳۲۸۷

[1] Sürücü & Maslakci

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

ریسک	۱۷۰	۴/۲۷۳۵	۰/۵۰۹۷۰	۰/۰۳۹۰۹

جدول (۴). آزمون فرضیه (مقایسه میانگین محاسبه شده با مقدار آستانه)

متغیر	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
شناسایی	۳۷/۰۹۹	۱۶۹	۰/۰۰۰	۱/۲۰۵۸۸۱
ثبت /ارزش‌گذاری	۳۱/۶۱۱	۱۶۹	۰/۰۰۰	۱/۲۴۰۰۰
اهمیت افشاء	۳۹/۱۹۵	۱۶۹	۰/۰۰۰	۱/۲۸۸۲۴
ریسک	۳۲/۵۷۷	۱۶۹	۰/۰۰۰	۱/۲۷۳۵۳
نمره آزمون = ۳				

با توجه به اینکه سطح معناداری هر چهار متغیر کمتر از ۰/۰۱ است، لذا در سطح اطمینان ۹۹ درصد از دید حسابداران، ارائه و افشاء ابزارهای مالی پیچیده است. بر اساس این یافته‌ها می‌توان اظهار داشت که علی‌رغم وجود استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷، حسابداران هنوز هم معتقد هستند که اجرای این استانداردها در عمل پیچیده است؛ زیرا درک مفاد این استانداردها مشکل است؛ بنابراین فرضیه اول رد نمی‌شود. بدین معنی که از دید حسابداران، حسابداری ابزارهای مالی (ارائه و افشاء) پیچیده است.

پس از این که مشخص شد از دید حسابداران، حسابداری ابزارهای مالی (ارائه و افشاء) پیچیده و مشکل است، نوبت به بررسی برخی از عوامل اثرگذار بر این پیچیدگی‌ها می‌رسد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره برای هر یک از متغیرهای وابسته پژوهش به شرح جداول ۵ الی ۸ است.

جدول (۵). ضرایب رگرسیون مدل اول (شناسایی ابزارهای مالی)

متغیر	ضریب غیراستاندارد (B)	ضریب استاندارد (Beta)	آماره تی (t)	سطح معناداری (Sig.)
مقدار ثابت	۳/۲۰۰	-	۱۹/۰۱۲	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۱۲۱	-۰/۱۲۷	-۱/۹۸۸	۰/۰۴۸
دروس دانشگاهی مرتبط	۰/۲۱۸	۰/۲۳۷	۲/۷۲۴	۰/۰۰۷
آموزش ضمن خدمت	۰/۲۲۵	۰/۲۴۵	۲/۱۳۹	۰/۰۳۴
ضریب همبستگی (R)، ۰/۷۷۸، ضریب تعیین (R^2)، ۰/۶۰۶؛ R^2 تعدیل شده، ۰/۵۹۶؛ سطح معناداری (α)، ۰/۰۵				

IdenInstr = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience
IdenInstr = -0.121 + 0.218 + 0.225 + 0.237

بر اساس نتایج مندرج در جدول فوق هر چهار متغیر مستقل بر پیچیده بودن فرایند شناسایی ابزارهای مالی اثرگذار هستند. تفسیر هرکدام از آن‌ها عبارت است از: در خصوص متغیر جنسیت، در مقایسه با حسابداران مرد، به‌اعتقاد حسابداران زن شناسایی ابزارهای مالی از پیچیدگی کمتری برخوردار بود. بدین معنی که میزان ادراک زنان از پیچیدگی فرایند شناسایی ابزارهای مالی به میزان ۰/۱۲۱ واحد کمتر از میزان پیچیدگی ادراک شده از سوی مردان است. همچنین از دید حسابدارانی که در دانشگاه و یا ضمن خدمت دروس و یا دوره‌هایی را در زمینه ابزارهای مالی گذارنده بودند، پیچیدگی فرایند شناسایی ابزارهای مالی به ترتیب به میزان ۰/۲۱۸ واحد و ۰/۲۲۵ واحد کمتر از حسابدارانی بود که این دروس و یا دوره‌ها را نگذرانده بودند. درنهایت، برای حسابدارانی که در زمینه ابزارهای مالی دانش و تجربه‌ای داشتند، فرایند شناسایی ابزارهای مالی به میزان ۰/۲۳۷ واحد آسان‌تر از حسابدارانی بود که دانش و تجربه مربوطه را نداشتند.

طبق ضرایب استاندارد، اثرگذاری متغیرهای مستقل بر پیچیدگی ادراک شده در فرایند شناسایی ابزارهای مالی به ترتیب عبارت بودند از: تجربه مرتبط، آموزش ضمن خدمت، دروس دانشگاهی گذارنده شده و جنسیت. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده، چهار متغیر مستقل قادر به تبیین حدود ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

جدول (۶). ضرایب رگرسیون مدل دوم (فرایند ثبت/ارزش‌گذاری ابزارهای مالی)

متغیر	ضریب غیراستاندارد (B)	ضریب استاندارد (Beta)	آماره تی (t)	سطح معناداری (Sig.)
مقدار ثابت	۲/۹۹۶	-	۱۵/۳۶۳	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۱۵۴	-۰/۱۳۴	-۲/۱۸۷	۰/۰۳۰
دروس دانشگاهی مرتبط	۰/۲۴۸	۰/۲۲۳	۲/۶۶۸	۰/۰۰۸
آموزش ضمن خدمت	۰/۲۶۱	۰/۲۳۴	۲/۱۳۹	۰/۰۳۴
تجربه مرتبط	۰/۳۳۳	۰/۲۹۲	۲/۷۱۲	۰/۰۰۷
ضریب همبستگی (R)، ۰/۷۹۹، ضریب تعیین (R^2)، ۰/۶۳۸؛ R^2 تعدیل شده، ۰/۶۲۹؛ سطح معناداری (α)، ۰/۰۵				

RecoInster = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience
RecoInster = -0.154 + 0.248 + 0.261 + 0.333

بر اساس نتایج مندرج در جدول فوق هر چهار متغیر مستقل بر پیچیدگی فرایند ثبت/ارزش‌گذاری ابزارهای مالی اثرگذار هستند. تفسیر هرکدام از آن‌ها عبارت است از: برای متغیر جنسیت در مقایسه با مردان، پیچیدگی فرایند ثبت/ارزش‌گذاری ابزارهای مالی از سوی زنان به میزان ۰/۱۵۴ واحد کمتر است. همچنین از نگاه حسابدارانی که در دانشگاه و یا ضمن خدمت دروس و یا دوره‌هایی را در زمینه ابزارهای مالی گذارنده بودند، فرایند ثبت/ارزش‌گذاری ابزارهای مالی به ترتیب به میزان ۰/۲۴۸ واحد و ۰/۲۶۱ واحد از سختی و پیچیدگی کمتری برخوردار بود. درنهایت، برای حسابدارانی که در زمینه ابزارهای مالی دارای دانش و تجربه‌ای بودند، پیچیدگی فرایند ثبت/ارزش‌گذاری ابزارهای مالی به میزان ۰/۳۳۳ واحد کمتر از حسابدارانی بود که از چنین دانش و تجربه‌ای برخوردار نبودند.

طبق ضرایب استاندارد، اثرگذاری متغیرهای مستقل بر پیچیدگی ادراک شده در فرایند ثبت/ارزش‌گذاری ابزارهای مالی به ترتیب عبارت‌انداز: تجربه مرتبط، آموزش ضمن خدمت، دروس دانشگاهی گذارنده شده و جنسیت. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده، ۶۳ درصد تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله چهار متغیر مستقل تبیین می‌شود.

جدول (۷). ضرایب رگرسیون مدل سوم (اهمیت افشاء)

متغیر	ضریب غیراستاندارد (B)	ضریب استاندارد (Beta)	آماره تی (t)	سطح معناداری (Sig.)
مقدار ثابت	۳/۲۶۹	-	۱۹/۲۵۹	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۱۲۴	-۰/۱۲۸	-۲/۰۱۵	۰/۰۴۵
دروس دانشگاهی مرتبط	۰/۲۰۳	۰/۲۱۸	۲/۵۰۷	۰/۰۱۳
آموزش ضمن خدمت	۰/۲۲۷	۰/۲۴۴	۲/۱۴۲	۰/۰۳۴
تجربه مرتبط	۰/۲۶۰	۰/۲۷۲	۲/۴۳۰	۰/۰۱۶
ضریب همبستگی (R)، ۰/۷۸۰، ضریب تعیین (R^2)، ۰/۶۰۹؛ R^2 تعدیل شده، ۰/۵۹۹؛ سطح معناداری (α)، ۰/۰۵				

SignInstr = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience
SignInstr = -0.124 + 0.203 + 0.227 + 0.260

بر اساس نتایج مندرج در جدول فوق هر پنج متغیر مستقل بر پیچیدگی فرایند افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی اثرگذار هستند. تفسیر هرکدام از آن‌ها عبارت است از: برای متغیر جنسیت در مقایسه با مردان، پیچیدگی فرایند افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی از سوی زنان کمتر بود. بدین معنی‌که پیچیدگی ادراک شده زنان به میزان ۰/۱۲۴ واحد کمتر از مردان است. همچنین از دید حسابدارانی که در دانشگاه و یا ضمن خدمت دروس و یا دوره‌هایی را در زمینه ابزارهای مالی گذارنده بودند، افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی به ترتیب به میزان ۰/۲۰۳ واحد و ۰/۲۲۷ واحد از سختی و پیچیدگی کمتری برخوردار بود. درنهایت، از منظر حسابدارانی که در زمینه ابزارهای مالی دانش و تجربه‌ای داشتند، افشاء اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی به میزان ۰/۲۶۰ واحد از پیچیدگی کمتری برخوردار بود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

طبق ضرایب استاندارد، اثرگذاری متغیرهای مستقل بر پیچیدگی ادراک شده در فرایند شناسایی ابزارهای مالی به ترتیب عبارت‌اند از: تجربه مرتبط، آموزش ضمن خدمت، دروس دانشگاهی گذارنده شده و جنسیت. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده، چهار متغیر مستقل قادر به تبیین حدود ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند.

جدول (۸). ضرایب رگرسیون مدل چهارم (ریسک)

متغیر	ضریب غیراستاندارد (B)	ضریب استاندارد (Beta)	آماره تی (t)	سطح معناداری (Sig.)
مقدار ثابت	۳/۰۶۱	-	۱۶/۸۴۷	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۱۸۲	-۰/۱۵۸	-۲/۷۷۰	۰/۰۰۶
دروس دانشگاهی مرتبط	۰/۱۹۴	۰/۱۷۵	۲/۲۴۰	۰/۰۲۶
آموزش ضمن خدمت	۰/۳۸۵	۰/۳۴۷	۳/۳۸۶	۰/۰۰۱
تجربه مرتبط	۰/۲۶۷	۰/۲۳۵	۲/۳۳۰	۰/۰۲۱
ضریب همبستگی (R)، ۰/۸۲۷، ضریب تعیین (R^2)، ۰/۶۸۴؛ R^2 تعدیل شده، ۰/۶۷۶؛ سطح معناداری (α)، ۰/۰۵				

RiskInstr = Gender + Uni-Courses + In-service training + Experience
RiskInstr = -0.182 + 0.194 + 0.385 +0.267

بر اساس نتایج مندرج در جدول فوق هر چهار متغیر مستقل بر پیچیدگی فرایند تشخیص ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی که واحد تجاری در پایان دوره گزارشگری در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند، اثرگذار هستند. تفسیر هرکدام از آن‌ها عبارت است از: برای متغیر جنسیت در مقایسه با مردان، پیچیدگی فرایند تشخیص ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی از سوی زنان کمتر است. بدین معنی‌که پیچیدگی ادراک شده زنان به میزان ۰/۱۸۲ واحد کمتر از مردان است. همچنین از نگاه حسابدارانی که در دانشگاه و یا ضمن خدمت دروس و یا دوره‌هایی را در زمینه ابزارهای مالی گذارنده بودند، تشخیص ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی به ترتیب به میزان ۰/۱۹۴ واحد و ۰/۳۸۵ واحد از سختی و پیچیدگی کمتری برخوردار بود. درنهایت، از دید حسابدارانی که در زمینه ابزارهای مالی دارای دانش و تجربه‌ای بودند، تشخیص ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی به میزان ۰/۲۶۷ واحد از پیچیدگی کمتری برخوردار بود.

طبق ضرایب استاندارد، اثرگذاری متغیرهای مستقل بر پیچیدگی ادراک شده در فرایند شناسایی ابزارهای مالی به ترتیب عبارت‌اند از: تجربه مرتبط، آموزش ضمن خدمت، دروس دانشگاهی گذارنده شده و جنسیت. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده، حدود ۶۸ درصد تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله چهار متغیر مستقل تبیین می‌شود.

سایر یافته‌ها

در این بخش تلاش می‌شود رتبه نهایی هریک از عوامل دخیل در پیچیدگی ابزارهای مالی مورد مشخص گردد. برای این منظور از آزمون فریدمن استفاده شده است (جدول ۹).

جدول (۹). آماره آزمون فریدمن

رتبه عوامل		آماره آزمون	
ثبت/ارزش‌گذاری	۲/۵۲	کای اسکوئر	۱۱/۰۸۴
اهمیت افشاء	۲/۷۱	درجه آزادی	۳
ریسک	۲/۵۰	سطح معناداری	۰/۰۱۱
ثبت/ارزش‌گذاری	۲/۵۲	کای اسکوئر	۱۱/۰۸۴

با توجه به این‌که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، لذا به لحاظ اهمیت بین عوامل دخیل در پیچیدگی ابزارهای مالی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان ارزش و اهمیت این عوامل یکسان نیست. بر اساس رتبه نهایی محاسبه شده برای هریک از عوامل می‌توان دریافت که رتبه آن‌ها به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: افشاء، ثبت/ارزش‌گذاری، ریسک و شناسایی.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی ادراک حسابداران نسبت به استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی: با تأکید بر جنسیت و ویژگی‌های فردی بود. برای این منظور دیدگاه‌ها و نظرات ۱۷۰ حسابدار شاغل در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

بنابر یافته‌های این پژوهش به اعتقاد حسابداران، حسابداری ابزارهای مالی (استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷) از چهار منظر شناسایی، ثبت/ارزش‌گذاری، افشاء و ریسک از سختی و پیچیدگی بالایی برخوردار است. برای کاهش این نوع ادراک، پیشنهاد می‌شود نهادهای مسئول، مراکز علمی و شرکت‌ها در راستای تفهیم هرچه بهتر مفاد استانداردهای ۳۶ و ۳۷ ضمن تدوین دستورالعمل‌های مدون و شفاف، اقدام به برگزاری همایش‌ها و دوره‌های آموزشی مورد نیاز کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هر چهار متغیر مستقل (جنسیت، دروس دانشگاهی گذارنده شده، آموزش ضمن خدمت و تجربه) بر پیچیدگی حسابداری ابزارهای مالی اثرگذار است. بدین معنی‌که در مقایسه با حسابداران مرد، از دید حسابداران زن استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی از پیچیدگی کمتری برخوردار هستند. از جمله دلایل این موضوع می‌تواند این باشد که زنان حساسیت و دقت بیشتری نسبت به انجام امور محوله از خود نشان می‌دهند، لذا آن‌ها در مواجه با موضوعات جدیدی همچون استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی اهتمام بیشتری از خود برای یادگیری ابعاد مختلف آن نشان می‌دهند. درنتیجه ادراک آنان نسبت به پیچیدگی این قبیل ابزارها کاهش می‌یابد. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های هیل و همکاران (۲۰۱۶) و مالاکیا و زامبرا (۲۰۱۹) همخوانی دارد.

بنابر یافته‌های این پژوهش دروس دانشگاهی مرتبط با حسابداری ابزارهای مالی باعث می‌شود تا حسابداران احساس کنند به کارگیری استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی از سختی و پیچیدگی کمتری برخوردار هستند. با توجه به توسعه و گسترش روزافزون ابزارهای مالی، سیاست‌گذاران آموزشی رشته حسابداری نیز تلاش کرده‌اند دروس مرتبطی را در سرفصل‌های درسی مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد لحاظ کنند. برای مثال در سرفصل‌های درسی مقطع کارشناسی دروسی همچون "بازار سرمایه و ابزارهای تأمین مالی" و "حسابداری ابزار و عقود مالی اسلامی" و در سرفصل‌های درسی مقطع کارشناسی ارشد دروسی همچون "تئوری‌های مالی و مدیریت سرمایه‌گذاری" استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و تطبیق آن با استانداردهای حسابداری ایران" لحاظ شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد آموزش‌های ضمن خدمت باعث تسهیل پیچیدگی‌های ادراک شده نسبت به حسابداری ابزارهای مالی (ارائه و افشاء) می‌شود؛ زیرا آموزش ضمن خدمت توانایی و دانش کارکنان برای انجام وظایف محوله را بهبود می‌بخشد. از جمله الزامات اجرای استانداردهای حسابداری مرتبط با ابزارهای مالی، توانمندسازی حسابداران است؛ بنابراین برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مرتبط می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.

بنابر یافته‌های این پژوهش تجربه حرفه‌ای باعث کاهش پیچیدگی‌های ادراک شده نسبت به حسابداری ابزارهای مالی (ارائه و افشاء) می‌شود. چرا که تجربه شرط لازم برای موفقیت در انجام هر کاری است. تجربه فرصت مناسبی را در اختیار کارکنان قرار می‌دهد تا آنان بتوانند از طریق بهبود دانش و مهارت‌های فردی، اقدام به ارائه خدمات با بازدهی بیشتر کنند.

همچنین بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان اظهار داشت پیچیدگی استانداردهای مرتبط با ابزارهای مالی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم باعث تضعیف علاقه دانشجویان (به‌ویژه مقطع کارشناسی) به چنین موضوعاتی شده و درنتیجه طبیعی است که آنان پس از ورود به بازار کار برای توسعه این بخش از حرفه حسابداری تلاش چندانی از خود نشان ندهند؛ بنابراین ضرورت دارد دانشگاه‌ها این قبیل موضوعات را در سرفصل‌های درسی خود بگنجانند؛ زیرا اطلاعات مرتبط با ابزارهای مالی می‌تواند هم برای ذینفعان بیرونی و هم برای ذینفعان داخلی شرکت‌ها بسیار مهم باشد؛ بنابراین پیچیدگی حسابداری و گزارشگری ابزارهای مالی از طریق اثرگذاری بر کار حسابداران می‌تواند مشکلاتی را برای مدیران شرکت‌ها ایجاد نماید.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

پیشنهادات

در خصوص آموزش می‌توان اظهار داشت به‌کارگیری یک رویکرد فرا-رشته‌ای می‌تواند برای آموزش حسابداری مؤثر و مفید واقع گردد. [رویکرد فرا-رشته‌ای بیانگر مطالعه یک پدیده خاص از منظر چند رشته تخصصی است]. گنجاندن مباحثی در زمینه الزامات بازارهای مالی در سرفصل دروس رشته حسابداری می‌تواند باعث کاهش پیچیدگی ادراک شده حسابداران نسبت به حسابداری و گزارشگری ابزارهای مالی گردد. حسابداری و گزارشگری ابزارهای مالی مستلزم یک سطح دانش حداقلی در زمینه بازارهای مالی است؛ بنابراین طبیعی است حسابدارانی که در دوران تحصیلات دانشگاهی خود چنین موضوعاتی را مطالعه نموده باشند، در حین اجرا پیچیدگی کمتری را احساس نمایند.

به‌موازات فرایند اجرا، پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها از طریق گنجاندن دروس ریاضی بیشتر در دوره‌های کارشناسی حسابداری بتوانند زمینه مشارکت حسابداران در انعکاس هرچه بهتر فعالیت‌های بازارهای مالی را فراهم نمایند. [یادگیری ریاضی باعث عملکرد بهتر مغز از طریق گسترش قشر خاکستری آن می‌شود]. برای اثربخشی این فرایند توجه به مواردی همچون قابلیت دسترسی منابع، فناوری اطلاعات و روش‌های تدریس بسیار مهم است. برای مثال می‌توان از طریق بازی‌های جدی و شبیه‌سازی شده ضمن جلب‌توجه دانشجویان، مطالب پیچیده را به یک شیوه جذاب و آسان به آنان آموزش داد. از این طریق می‌توان کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی و همچنین توانایی شرکت‌ها در مدیریت ریسک ابزارهای مالی را افزایش داد. بهبود سطح افشاء و ارتقاء کیفیت گزارش‌های حسابداری می‌تواند محرک خوبی برای جذب سرمایه از سوی شرکت‌ها محسوب گردد؛ بنابراین شرکت‌ها می‌توانند تأمین مالی خود را با نرخ‌های بهره پایین‌تر انجام دهند.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: (۱) با توجه به این‌که حجم نمونه این پژوهش ۱۷۰ نفر حسابدار است، لذا اگر حجم نمونه بیشتر از این تعداد بود قابلیت تعمیم نتایج این پژوهش با اطمینان بیشتری می‌توانست صورت گیرد. (۲) پژوهش حاضر ادراک حسابداران نسبت به پیچیدگی استانداردهای حسابداری ۳۶ و ۳۷ را مطالعه و بررسی کرده است، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی سایر جنبه‌های این استانداردها همچون مفیدی و کارآیی را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. (۳) توسعه جامعه آماری پژوهش حاضر به سایر افراد همچون مدیران و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌تواند باعث تقویت نتایج حاصله شود.

منابع

داوری، علی؛ و آرش رضازاده. (۱۳۹۶). **مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار پی‌ال‌اس**. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

رحمانی، علی؛ و سمیرا معنوی. (۱۴۰۲).استفاده از سه سطح ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: چالش‌ها و راهکارها. **فصلنامه حسابداری مالی** ۱۴(۵۶): ۱۰۱-۷۹.

مـاه‌آورپور، راضیه؛ علی رحمانی و شهنـاز مشایخ. (۱۳۹۸). چالش‌های پیـاده‌سازی، حسابـداری ابزارهای مشتقه: استاندارد بین-المللی گزارشگری مالی شماره ۹. **فصلنامه حسابداری مالی** ۱۱(۴۳): ۲۶-۱.

Al-Makhalid, K.A.M. (2021). Gender Differences in the Effect of Type, Level and Amount of Information on Attention Ability among Saudi High School Students. **International Journal of Early Childhood Special Education** 13(2): 753-762.

Alsarayreh, T., M.S. Altarawneh & A. Eltweri. (2022). The Implication of IFRS Financial Instruments Disclosure on Value Relevance. **Journal of Risk and Financial Management** 15(10): 478.

Barth, M.E. (2014). Measurement in financial reporting: The need for concepts. **Accounting Horizons** 28(2): 331-352.

Bean, A., & H. Irvine. (2015). Derivatives disclosure in corporate annual reports: bank analysts' perceptions of usefulness. **Accounting and Business Research** 45(5): 602-619.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

Bischof, J. (2009). The effects of IFRS 7 adoption on bank disclosure in Europe. **Accounting in Europe** 6(2): 167-194.

Bozkurt, O., & Y. Öz. (2013). Perceptions of professionals interested in accounting and auditing about acceptance and adaptation of global financial reporting standards. **Journal of Economics Finance and Administrative Science** 18(34): 16-23.

Burrell, G. (1987). No accounting for sexuality. **Accounting, Organizations and Society** 12(1): 89-101.

Chalmers, K. (2001). The progression from voluntary to mandatory derivative instrument disclosures–look who's talking. **Australian Accounting Review** 11(23): 34-44.

Chand, P., & C. Patel. (2008). Convergence and harmonization of accounting standards in the South Pacific region. **Advances in Accounting** 24(1): 83-92.

Chang, H.S., M. Donohoe & T. Sougiannis. (2016). Do analysts understand the economic and reporting complexities of derivatives? **Journal of Accounting and Economics** 61(2-3): 584-604.

Chau, G., D. Chan & T. Chan. (2000). Accounting for financial instruments: an overview of issues and some evidence from Hong Kong. **Asian Review of Accounting** 8(1): 97-113.

Gebhardt, G. (2012). Financial instruments in non-financial firms: what do we know? **Accounting and Business Research** 42(3): 267-289.

Greenstein, M., & T.E. McKee. (2004). Assurance practitioners' and educators' self-perceived IT knowledge level: an empirical assessment. **International Journal of Accounting Information Systems** 5(2): 213-243.

Hassan, E.A., M. Rankin & W. Lu. (2014). The development of accounting regulation in Iraq and the IFRS adoption decision: An institutional perspective. **The International Journal of Accounting** 49(3): 371-390.

Hassan, M.S., N. Mohd-Saleh & M.R. Abd-Rahman. (2006). **Determinants of financial instruments quality among listed firms in Malaysia**. Working Paper, Universiti Kebangsaan Malaysia.

Hill, F., I.C. Mammarella, A. Devine, S. Caviola, M.C. Passolunghi & D. Szűcs. (2016). Maths anxiety in primary and secondary school students: Gender differences, developmental changes and anxiety specificity. **Learning and Individual Differences** 48: 45-53.

Huang, Z., & S. Gao. (2014). The usefulness of derivative disclosures for investment decision-making: Perceptions of Chinese institutional investors. **Journal of Chinese Economic and Foreign Trade Studies** 7(3): 173-192.

Ighian, D.C. (2012). A Study on Accounting Standards with Regards to Financial Instruments. Annals of the University Dunarea de Jos of Galati: Fascicle: I, **Economics & Applied Informatics** 18(1): 69-76.

Jain, A.G. (2014). Derivatives as a test case for international financial regulation through the WTO. **Journal of World Trade** 48(1): 135-165.

Jermakowicz, E.K., & S. Gornik-Tomaszewski. (2006). Implementing IFRS from the perspective of EU publicly traded companies. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation** 15(2): 170-196.

Johansen, T.R., & T. Plenborg. (2013). Prioritising disclosures in the annual report. **Accounting and Business Research** 43(6): 605-635.

Joshi, P.L., W.G. Bremser & J. Al-Ajmi. (2008). Perceptions of accounting professionals in the adoption and implementation of a single set of global accounting standards: Evidence from Bahrain. **Advances in Accounting** 24(1): 41-48.

Khumawala, S., T. Ranasinghe & C.J. Yan. (2016). Why hedge? Extent, nature, and determinants of derivative usage in US municipalities. **Journal of Accounting and Public Policy** 35(3): 303-325.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

Laux, C. (2012). Financial instruments, financial reporting, and financial stability. **Accounting and Business Research** 42(3): 239-260.

Malaquias, R.F., & P. Zambra. (2019). Complexity in accounting for derivatives: Professional experience, education and gender differences. **Accounting Research Journal** 33(1): 108-127.

Marabel-Romo, J., A. Guiral, J.L. Crespo-Espert, J.A. Gonzalo & D. Moon. (2017). Fair value accounting in the absence of prudence in accounting standards: an illustration with exotic derivatives. **Spanish Journal of Finance and Accounting/Revista Española de Financiación y Contabilidad** 46(2): 145-167.

Murcia, F.D., & A.D. Santos. (2010). Evidences of international financial reporting standards (IFRS) implementation in Brazil: the case of derivatives. **Available at SSRN 1536608**.

Naito, J., & J.A. Laux. (2011). Derivatives usage: value-adding or destroying? **Journal of Business & Economics Research** 9: 41-50.

Navarro-García, J.C., & F. Bastida. (2010). An empirical insight on Spanish listed companies' perceptions of International Financial Reporting Standards. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation** 19(2): 110-120.

Pawsey, N.L. (2017). IFRS adoption: A costly change that keeps on costing. **Accounting Forum** 41(2): 116-131.

Primi, C., C. Busdraghi, C. Tomasetto, K. Morsanyi & F. Chiesi. (2014). Measuring math anxiety in Italian college and high school students: validity, reliability and gender invariance of the Abbreviated Math Anxiety Scale (AMAS). **Learning and Individual Differences** 34: 51-56.

Prorokowski, L. (2013). Lessons from financial crisis contagion simulation in Europe. **Studies in Economics and Finance** 30(2): 159-188.

Rasekhi, S., & N. Nabavi. (2019). The Effect of Derivative Instruments on the Contagion of Stock Markets in Developing Countries. **Journal of Money and Economy** 14(4): 475-494.

Shirsavar, H.A., S. Gilaninia & A.M. Almani. (2012). A study of factors influencing positive word of mouth in the Iranian banking industry. **Middle-East Journal of Scientific Research** 11(4): 454-460.

Strouhal, J. (2009). Reporting Frameworks for Financial Instruments in Czech: Czech Accounting Practices versus International Financial Reporting Standards. **WSEAS Transactions on Business and Economics** 6: 352-361.

Sürücü, L., & A. Maslakci. (2020). Validity and reliability in quantitative research. **Business & Management Studies: An International Journal** 8(3): 2694-2726.

Tahat, Y.A., T. Dunne, S. Fifield, & D.M. Power. (2016). The impact of IFRS 7 on the significance of financial instruments disclosure: Evidence from Jordan. **Accounting Research Journal** 29(3): 241-273.

Tuckman, B. (2016). Derivatives: Understanding their usefulness and their role in the financial crisis. **Journal of Applied Corporate Finance** 28(1): 62-71.

Tyrrall, D., D. Woodward & A. Rakhimbekova. (2007). The relevance of International Financial Reporting Standards to a developing country: Evidence from Kazakhstan. **The international Journal of Accounting** 42(1): 82-110.

Uyar, A., & A.H. Güngörmüş. (2013). Perceptions and knowledge of accounting professionals on IFRS for SMEs: Evidence from Turkey. **Research in Accounting Regulation** 25(1): 77-87.

Wüstemann, J., & S. Wüstemann. (2010). Why consistency of accounting standards matters: A contribution to the rules-versus-principles debate in financial reporting. **Abacus** 46(1): 1-27.

Zhang, H. (2009). Effect of derivative accounting rules on corporate risk-management behavior. **Journal of Accounting and Economics** 47(3): 244-264.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]